

«طلبه باید شبانه روزی به امر پژوهش مشغول باشد»

گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین شاه پیگ دامعزه
استاد سطح عالی حوزه علمیه استان البرز



لطفاً مختصری از زندگی خودتون رو برای ما بیان بفرمایید.

اینجانب فتاح شاه بیگ فرزند علی اکبر هستم. مادرم اصالتاً آذری زبان و پدرم اهل اشتهارد بود و ابتدا به کار کشاورزی اشتغال داشت ولی بعدها به خدمت شهرداری درآمد. بنده در دهم اردیبهشت ۱۳۴۳ در اشتهارد متولد شدم. دوره ابتدایی و راهنمایی را در اشتهارد گذراندم و سپس در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه این شهر شدم. در سال ۱۳۵۷ به قم عزیمت کردم و دروس مقدماتی سیوطی، مغنی، مطول را نزد آیه الله مدرس افغانی و تجزیه و ترکیب را در محضر استاد هاشمی و اصول و فقه مقدماتی و عالی نظیر اصول فقه، لمعه، رسائل، مکاسب و کفایتین را نزد استادان بزرگی چون حضرات آیات علی عالمی، شیخ علی پناه، نظری میانجی، وجدانی فخر و ستوده فرا گرفتم و پس از اتمام سطح در سال ۱۳۶۴ سالیانی چند از حوزه درس خارج فقه و اصول آیات عظام شیخ جواد تبریزی، مظاهری،



بینید هنوز پژوهش گروهی و دسته

جمعی بین ما جانیافته و همیشه فکر

می کنیم که باید تنها کار کنیم. گاهی هم شاهدیم

که افراد، مطالب رو از اینترنت جمع آوری می

کنند و به هم می چسبانند که بسیار منفی است

و نتیجه مطلوبی هم ندارد. چه بسا افراد قبلی

کاملتر نوشته اند. اما اگر مثلاً فلان مسئله فقهی،

اصولی یا فلان مسئله معارفی را مطابق شیوه های

صحیح پژوهش کنند، بسیار مطلوب است.

حاج آقا به نظر شما برای افزایش انگیزه طلاب

جهت تحصیل جدی تر چه باید کرد؟

اول این که اساتید باید پخته و زبردست باشند. افرادی که از عهده تدریس شایسته بر نمی آیند، علاقه طلاب را کم می کنند. ممکن است آن ها بتوانند خوب ترجمه کنند ولی نمی توانند خوب اشباع کنند. مثلاً گاهی طلبه می پرسد این دو خط را نفهمیدم! استاد، کتاب شرح را باز می کند و می گوید این دو خط مهم نیست! هر روز از این دو خط ها وجود دارد. وقتی طلبه ها متنی را متوجه نشوند، مزه تحصیل و تحقیق از کامشان می افتد. من خیلی از این بی میلی های طلبه را در این می بینم که او مزه درس و عمق آن را نچشیده است.

یک جهت هم مسائل مادیست؛ طلبه ای که هنوز سطح را تمام نکرده به دنبال مسجد و منبر و این گونه مسائل است. گاهی هم ضرورت دارد، خب ازدواج کرده! و باید هزینه های زندگی را تأمین کند. این کار از چند جهت ضرر می رساند. اول به خودش! کسی که به سراغ منبر و پول و هیئت و این ها رفت، درس و بحث را کنار می گذارد. البته من اصل این کار را نفی نمی کنم. مثلاً می تواند در ایام محرم و صفر و رمضان به تبلیغ بپردازد ولی بقیه سال را ممحض در درس باشد. من خود زمانی که درس خارج می خواندم تا سال ها نمی دانستم که مثلاً باید برویم مسجد داری کنیم، با این که زندگی من هم به سختی می گذشت. این یک مسئله مهمی است که باید مدیریت شود و بزرگان حوزه باید جمع

مکارم شمیرازی و سبجانی بهره برده و تقریرات ایشان را نوشتم. تقریرات درس حضرت آیه الله العظمی مظاهری، مورد پسند معظم له قرار گرفت و توصیه کردند که آن را منتشر کنم. همچنین از درس ولایت فقیه معظم له که حدود یک سال به طول انجامید و ادله قرآنی، روایی و عقلی مسئله، مورد بررسی قرار گرفت، بسیار استفاده کردم.

پس از اقامت در کرج در سال ۱۳۸۰ نیز حدود چهار سال از درس خارج فقه مقام معظم رهبری با موضوع قصاص بهره بردم ولی متأسفانه به دلیل اشتغالات، نتوانستم ادامه بدهم. همزمان در مدارس علمیه برادران و خواهران کرج به تدریس نیز اشتغال ورزیدم که همچنان ادامه دارد.

من گرچه همه وجود خود و توفیقاتم را از برکت وجود آیه الله مظاهری می دانم اما درس رهبری معظم انقلاب (حفظه الله) از جهاتی قویتر و از نظر نحوه ورود و خروج بحث برای بنده بسیار جالب بود و من از این تجربه برای تدریس استفاده کردم که الحمدلله موفقیت آمیز است.

بنده همزمان با ورود به درس خارج در سال ۶۴ ازدواج کردم که حاصل آن یک فرزند دختر و سه پسر است. فرزند کوچکم هم اکنون به تحصیل در حوزه علمیه اشتغال دارد.

تدریس روز از چه زمانی شروع کردید و موضوع تدریس شما چه بوده است؟

من تدریس را در قم و از سال ۱۳۶۴ شروع کردم و همزمان با تحصیل دروس خارج، چند دوره معانی بیان و بدیع را درس گفتم و حدود صد شاگرد داشتم، اصول فقه و معالم، شرح لمعه، مکاسب و کفایه را نیز در مدرسه امام خمینی و نیز به صورت آزاد تدریس می کردم. مدتی هم در اشتهاارد به تدریس اشتغال داشتم و هم اکنون حدود شانزده سال است که استاد شرح لمعه، مکاسب و کفایه در مدارس علمیه کرج هستم. همچنین در حوزه علمیه خواهران کتاب حلقات الاصول (به جای کفایه) و تاریخچه اصول فقه را تدریس کرده و مشاوره تحصیلی داشته ام.

شوند و مسائل مادی و معیشت طلبه‌ها را تا یک حد معقول، جوری حمایت کنند که طلبه‌ها مجبور نشوند درس را رها کنند و جذب جاهای دیگر شوند و عملاً از درس بمانند. ما واقعا افراد خوش فکر، خوش ذوق و با استعدادی داریم. باید برنامه‌ای باشد که این‌ها جذب، حمایت و هدایت بشوند که مثلاً چطوری درس را ادامه بدهند.

آیا کار قلمی دیگری غیر از تقریرات درسهای خارج نظیر کتاب و مقاله دارید؟

خیر فقط متن درسی «تاریخچه علم اصول» و عقاید شیعه مثل «رجعت» و «غیبت» توسط خواهران تایپ شده است. در زمینه مسائل دینی و تفسیر هم نوشته‌های زیادی دارم که باید تنظیم کنم و این‌ها قابل چاپ هستند.

به نظر حضرت تعالی چه باید کرد که طلاب به امور پژوهشی گرایش پیدا کنند؟

به نظر من طلبه باید همه فکر و عمر خود را برای این کار بگذارد. زیرا پژوهش چیزی نیست که مثلاً روزی یک یا دو ساعت وقت خود را صرف این کار بکند، این فایده‌ای ندارد و باید شبانه روزی به امر پژوهش مشغول باشد. این اقتضای این را دارد که یک تشکیلات خاص یا بودجه‌ای مناسب برای معیشت طلبه‌ای که می‌خواهد پژوهش کند در نظر گرفته شود. زیرا او باید از نظر فکری آسودگی داشته باشد. بعد هم استادان قوی وجود داشته باشند که بر کار گروهی طلاب نظارت کنند. ببینید هنوز پژوهش گروهی و دسته‌جمعی بین ما جا نیافتاده و همیشه فکر می‌کنیم که باید تنها کار کنیم. گاهی هم شاهدیم که افراد، مطالب رو از اینترنت جمع‌آوری می‌کنند و به هم می‌چسبانند که بسیار منفی است و نتیجه مطلوبی هم ندارد. چه بسا افراد قبلی کاملتر نوشته‌اند. اما اگر مثلاً فلان مسئله فقهی، اصولی یا فلان مسئله معارفی را مطابق شیوه‌های صحیح پژوهش کنند، بسیار مطلوب است. البته فرقی نمی‌کند که موضوع پژوهش در حوزه

تفسیر، روایت یا غیره باشد ولی باید زمینه‌های جدی برای این کار فراهم شود تا تولید علم که مقام معظم رهبری بر آن تاکید دارند، اتفاق بیافتد.

حاج آقا خاطره‌ای از دوران تحصیل که برای طلاب آموزنده باشد، بفرمایید؟

من گاهی استادم آیه الله العظمی مظاهری را برای ناهار به منزل دعوت می‌کردم و ایشان می‌پذیرفتند و تشریف می‌آوردند. هر چند به گفته محافظ ایشان، حضرت استاد در منزل حتی نزدیکترین فرد از بستگان برای ناهار نمی‌ماندند. ایشان با آن عظمت و جایگاه علمی که داشتند، برای تشویق بنده به منزل ما می‌آمدند؛ با این که منزل ما خیلی ساده بود. شاید غذای ما برای آقا هم خیلی مناسب نبود ولی می‌آمدند و این برای ما چقدر مایه تشویق بود. هم برای خانواده من و هم خود من. ما اگر گرسنه‌ام می‌ماندیم درسها رو رها نمی‌کردیم. ببینید گاهی این برخوردها رو باید بزرگان ما داشته باشند و ضمن تفقد از طلاب، آنان را تشویق کنند.



بر سر در حوزه های علمیه زده می شد تا همه بدانند که حوزه علمیه این گونه است. تشخیص رهبری این است که مدرک برای ما نیست برای ما میثاق طلبگی مهمه؛ اگر خوب درس بخوانیم بالاخره مردم نیاز دارند و به ما مراجعه می کنند.

آیا در کرج به امور فرهنگی و تبلیغی هم اشتغال دارید؟

اینجانب حدود ده سال امام جماعت مسجد امیرالمومنین (ع) اشتهارد بودم. دو سه سالی هم در مسجد صاحب الزمان (عج) کرج که خیلی هم شلوغ هست، اقامه جماعت کردم. در ایام تبلیغی محرم، صفر، فاطمیه و رمضان و نیز مراسم ختم به تبلیغ اشتغال دارم. یک بار هم به عنوان مبلغ نمونه از طرف دفتر تبلیغات قم انتخاب شدم. حدود چهار سال نیز امام جمعه موقت اشتهارد بودم و سعی می کردم سخنان مقام معظم رهبری را تحلیل کنم.

نکته پایانی

در پایان می بایست از حمایت های حضرات آقایان مدرسی ها خصوصاً سرور عزیزم حاج سید محمود آقا مدرسی طی شانزده سال گذشته از حوزه علمیه البرز تشکر و قدردانی کنم.

من خودم زمانی که درس خارج

می خواندم تا سال هانمی دانستم

که مثلاً باید برویم مسجد داری کنیم، با این

که زندگی من هم به سختی می گذشت.

این یک مسئله مهمی است که باید مدیریت

شود و بزرگان حوزه باید جمع شوند و

مسائل مادی و معیشت طلبه ها را تایک

حدم مقول، جوری حمایت کنند که طلبه ها

مجبور نشوند درس را رها کنند و جذب

جای دیگر شوند و عملاً از درس بمانند.

خاطره دوم من از مقام معظم رهبری حفظه الله است که من در درس هیچ مرجعی ندیده بودم. روزی یکی از آقایان سوال بی جایی کرد که بنده ناراحت شدم. چون اصلاً این سوال ربطی به درس آقا نداشت، آقا هم چیزی نگفتند. فقط به خورده ناراحت شدند و فرمودند شما سوالی بکنید که مربوط به درس باشد همین. درس که تمام شد، آقا آمدند داخل جمعیت و به سمت سوال کننده رفتند و ایشان را به آغوش کشیدند و چند بار بوسیدند! ببینید چقدر این رفتار اخلاقیه! باید شخص سوال کننده از آقا عذرخواهی می کرد و می گفت ببخشید من سوال بی جایی کردم. اما آقا توجه به این نکته داشتند که شاید روحیه اشکال کننده یک مقدار مثلاً ضعیف شده؛ آقا آمدند و ایشان را به آغوش کشیدند، طوری که همه احساس کردند آقا دارند از ایشان عذرخواهی می کنند. من حقیقتاً در آن لحظه گریه ام گرفت یعنی این حد بزرگواری را ما از غیر معصومین نشنیده ایم و حداقل من ندیده بودم.

در پایان این نکته را عرض می کنم که امروزه چیزی که به حوزه ها ضربه می زند مدرک گرایی است. مقام معظم رهبری چند سال قبل حاضر به پذیرش مدرک دکترای افتخاری نشدند و فرمودند بگذارید به همان میثاق طلبگی خودم باقی بمانم. من نمی دانم چرا روی این بیان رهبری کم مانور داده شده است. این سخن مقام معظم رهبری باید به صورت دستور العمل مکتوب

امروزه چیزی که به حوزه ها ضربه

می زند مدرک گرایی است. مقام معظم

رهبری چند سال قبل حاضر به پذیرش مدرک

دکترای افتخاری نشدند و فرمودند بگذارید به

همان میثاق طلبگی خودم باقی بمانم. من نمی

دانم چرا روی این بیان رهبری کم مانور داده

شده است. این سخن مقام معظم رهبری باید

به صورت دستور العمل مکتوب بر سر در حوزه

های علمیه زده می شد تا همه بدانند که حوزه

علمیه این گونه است.